

الحمد لله  
البرحمين



صاحب امتیاز: دانشگاه یزد  
مدیر مسؤول: دکتر محمد علی صادقیان  
سر دبیر: دکتر سید محمود الهام بخش  
مدیر داخلی: کاظم مهتدیانی  
ویراستار: مهتری زینی  
ویرایش بخش انگلیسی: احمد رضا اسلامی زاده  
طرح روی جلد و امور رایانه: مؤسسه نوین یزد  
حروف نگار: زهراملا حسینی  
خوش نویسان: استاد شایق - محمود رهبران - سید مجتبی مدرس وامق  
مجری و ناظر چاپ: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی بخشایش - ۷۷۳۷۵۸۳ - ۰۲۵۱  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

## اعضای هیأت تحریریه

«بر اساس حروف الفبا»

### الف) از سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی:

دکتر علی اکبر سیف	دکتر علی محمد حاضری	دکتر جلیل تجلیل
دکتر محمد غلامرضایی	دکتر بهلول علیجانی	دکتر غلامحسین شکوهی
دکتر مهدی محقق	دکتر یوسف کریمی	دکتر علی محمد کاردان

### ب) از دانشگاه یزد

دکتر محمد علی صادقیان	دکتر کرامت الله زیاری	دکتر جلیل بهارستان
دکتر مهدی نواب پور	دکتر مهدی ملک ثابت	دکتر علی محمد فضیلت فر

کاوش نامه در ویرایش نوشته‌ها و تصرفات کمی بر اساس رأی داوران تخصصی آزاد است. مضمون مقالات و نوشته‌های کاوش نامه تنها بیان کننده دیدگاه‌ها و باورهای نویسندگان است.

دانشگاه یزد

مجتمع علوم انسانی

# کاوش نامه

(نامه علوم انسانی دانشگاه یزد)

مجله علمی - پژوهشی

ویژه نامه علوم اجتماعی

سال سوم و چهارم، شماره ۵ و ۶

(پاییز و زمستان ۱۳۸۱ و بهار و تابستان ۱۳۸۲)

## فهرست

- نقش وسایل ارتباط جمعی در گفتگوی تمدن‌ها. . . . دکتر مسعود حاجی‌زاده میمندی. . . . ۱۵
- اثبات وجود خدا از دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان متقدم و متأخر. فهیمه دهباشی. . . . ۳۷
- آموزش و سرمایه انسانی. . . . اکبر زارع شاه‌آبادی. . . . ۶۵
- پرستش روح و جان در قبایل هند. . . . دکتر سیدمحسن سعیدی مدنی. . . . ۸۵
- نقش روشنفکران در زندگی سیاسی. . . . مهدی شاهین. . . . ۱۰۵
- مقایسه ابعاد مختلف نظریه «گفت و گوی تمدن‌ها». . . . دکتر محمد عابدی اردکانی. . . . ۱۲۵
- مقایسه نگرشهای نوجوانان بزهکار و سازگار. . . . محمدتقی علومی یزدی. . . . ۱۵۵
- بررسی پدیده «بلوغ زودرس». . . . سیدکاظم علوی لنگرودی. . . . ۱۷۹
- تعامل موسیقی و جامعه. . . . دکتر وحید قاسمی. . . . ۱۹۵
- عوامل مؤثر بر فاصله اجتماعی آرامنه استان اصفهان. . . . مزده کیانی. . . . ۲۱۵
- بررسی مشکلات دانشجویان غیربومی دانشگاه یزد. . . . صفر مهران‌فر. . . . ۲۲۹
- سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم شناسی. . . . سیدامیدعلی نصیب. . . . ۲۵۹
- موتورسواران قانون‌گریز. . . . آفاق شارقی. . . . ۲۷۹
- معرفی کتاب و تازه‌های نشر. . . . ۳۰۳

## سراغاز

از اینکه توفیق تدوین ویژه‌نامه علوم اجتماعی حاصل شد، خدای یگانه را سپاس می‌گوییم. چنانکه در شماره‌های پیشین اشاره شد، کاوش‌نامه کار تخصصی شدن را با محورهای جغرافیا و برنامه‌ریزی، زبان و ادبیات و مدیریت و اطلاع‌رسانی آغاز کرده و در فواصل نیز به شرط تأمین مقالات، برای چاپ ویژه‌نامه‌ها اعلام آمادگی نموده است. اینک که با همت و همکاری اعضای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، بویژه سرپرست محترم دانشکده، جناب آقای دکتر محمد عابدی اردکانی و لطف و توجه داوران محترم مقالات و هماهنگی و مساعدت اعضای محترم هیأت تحریریه کاوش‌نامه تعداد قابل توجهی مقاله آماده ارائه به جامعه علمی - پژوهشی کشور گردیده ضمن سپاسگزاری از مساعی همه عزیزان و سروران، انتظار داریم که کاوش‌نامه نیز مانند بسیاری از مجلات دانشگاهی، از استقبال پژوهندگان و اقبال خوانندگان بهره‌مند باشد و همکاران گرامی از دانشگاه‌های سراسر کشور مقالات تخصصی خود را برای بررسی و ارائه در قالب ویژه‌نامه‌های تخصصی در اختیار این دفتر قرار دهند.

در عین حال، امیدواریم که با یکنواخت شدن حرکت مجلات دانشگاهی در جهت



تخصصی شدن و ضمن رعایت عدالت و اعتدال در ضوابط حاکم بر اینگونه مجلات، زمینه‌ای فراهم گردد که کارگزاران مجله ما بتوانند پاسخگوی همکاران تمام رشته‌های علوم انسانی باشند و سایر مجلات نیز با هماهنگی و تقویت روحیه همکاران، به امر تبادل تجربه و داد و ستد دو جانبه مقالات پرداخته سهولت ارائه آثار علمی را در رشته‌های مختلف زمینه‌سازی نمایند.

بدیهی است که کار تخصصی شدن مجلات دانشگاهی زمانی به معنی واقعی کلمه سامان می‌گیرد که اولاً همکاری مستمر دانشکده‌های ذی‌نفع با کارگزاران مجله تداوم داشته باشد و ثانیاً دانشگاه‌های طرف مبادله در جهت تأمین حجم معینی از مقالات هر ویژه‌نامه سهم خود را با جدیت تأمین نمایند و داوران بزرگوار نیز با نظارت و هماهنگی مقامات دانشکده کار خود را با جدیت و بی‌طرفی دنبال کنند.

طبعاً در این گونه ویژه‌نامه‌ها نقش سردبیر رسمی مجله تحت الشعاع تخصص مقامات گروه آموزشی یا دانشکده مربوط می‌شود و عملاً می‌توان گفت که سردبیری به صورت شورایی یا مشارکتی شکل می‌گیرد. از این‌رو، تدوین چارچوب معینی برای تهیه مجلات تخصصی و ویژه‌نامه‌ها ضرورت می‌یابد و حتی حضور موقت یا موردی متخصصان آن رشته در جلسات هیأت تحریریه ضروری به نظر می‌رسد.

امید است با توفیق و تأیید خداوندی، در جهت تعالی علم و نشر دانش قدم‌هایی مثبت و مؤثر برداریم و روز به روز از موانع کاسته و بر مساعدت‌ها افزوده شود.

و من الله التوفیق

سردبیر کاوش‌نامه



## پیش‌گفتار این ویژه‌نامه

گرچه علوم اجتماعی امروزی نتیجه و جزء لاینفک دوران روشن‌بینی یا رنسانس، انقلاب صنعتی و محصول رشد فراگیر جهان‌بینی غربی است، لیکن ریشه آن را می‌توان در فلسفه اجتماعی قدیم یافت. چنانچه علوم اجتماعی را به عنوان تلاش فکری برای توصیف و تبیین پدیده‌ها و ساختها و مظاهر و رفتارهای اجتماعی از جمله در حوزه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی تعریف کنیم، در آن صورت، نمونه‌های بسیاری از چنین کوشش در اندیشه فلسفی پیشتازان تفکر اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود. به سخن دیگر، در آثار متفکران اجتماعی و فلاسفه، برخی از مفاهیمی که در تحقیقات محققان معاصر مطرح است - از قبیل طبقات اجتماعی، آموزش و پرورش، ماهیت روابط اجتماعی، رابطه اعضای جامعه با حکومت و طبقه‌بندی اجتماعات بشری - مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال، می‌توان از کوشش افلاطون و ارسطو در تبیین دگرگونی نظامهای سیاسی، طبقات اجتماعی، مالکیت، تقسیم کار، طبقه‌بندی حکومتها و علل وقوع انقلابها نام برد.

در ایران و تمدن قدیم اسلامی، متفکرانی چون ابونصر فارابی، ابوالعلاء معری، ابوریحان بیرونی، کیکاووس بن وشمگیر، خواجه نظام‌الملک، خواجه نصیرالدین طوسی و بویژه ابن‌خلدون نیز در همین ردیف جا می‌گیرند و در لابه‌لای آثار آنها می‌توان بعضی از مفاهیم و معانی مطرح در علوم اجتماعی امروزی یافت. حتی در حوزه تمدن غربی نیز تا سال ۱۸۰۰ میلادی، بررسی‌های اجتماعی جزئی از فلسفه به شمار می‌آمد و در آثار فلاسفه اجتماعی و سیاسی مثل توماس هابز، جان لاک، ژان ژاک روسو، توماس مور و... این نگرش امری رایج و جاری است.

از قرن هجدهم به بعد، گروهی از دانشمندان به این فکر افتادند که اجتماعات را چنان که واقعاً بوده و یا اکنون هستند مطالعه کنند و به قوانین کلی اجتماعی دست یابند و



این کار را به روش علمی (متدولوژی) انجام دهند - یعنی در تحقیقات خود، روش مشاهده و تجربه و استقراء را به کار برند.

گرچه نخستین کسی که به این طریق عمل کرد «منتسکیو» بود، لیکن برای اولین بار اگوست کنت در سال ۱۸۳۹ کلمه «جامعه‌شناسی» (Sociology) را به کار برد. با انتشار آثار وی در فرانسه، دیدگاه مستقلی در زمینه مطالعات اجتماعی مطرح شد. از نظر کنت، می‌توان به قوانین اجتماعی کم و بیش به شیوه علمای طبیعی (نظیر قوانین فیزیک و زیست‌شناسی) دست یافت. به عبارت دیگر، علوم اجتماعی علم نیستند، مگر آنکه برپایه روشهای علوم طبیعی استوار شوند. به همین دلیل اگوست کنت را «پدر جامعه‌شناسی» و متفکر پوزیتیویست (اثبات‌گرا) نامیده‌اند.

این شیوه نگرش اثباتی وی، بعدها در «مکتب شیکاگو» و آثار جامعه‌شناسان آن مکتب از جمله «پارک»، «برجس»، «ویرث» و «بکر» تبلور یافت. این در حالی است که «مکتب علوم فرهنگی آلمان» که بعداً به «مکتب فرانکفورت» شهرت یافت، معتقد به دوگانگی علوم اجتماعی و علوم طبیعی و در نتیجه، روش تحقیق جداگانه و متفاوت آنها از یکدیگر است. به همین دلیل «ویلهم دیلتای» و «فریدریش ریکرت»، مهمترین نمایندگان مکتب علوم فرهنگی آلمان، موضوع‌های علوم اجتماعی را روحانی یا فرهنگی می‌دانستند و در نتیجه معتقد بودند که نمی‌توان همان روشهای رایج در علوم طبیعی را در شناخت جهان اجتماعی به کار گرفت. همچنین، پیشتازان مکتب فرانکفورت، «هورک هایمر»، «تئودور آدورنو»، «والتر بنجامین»، «هربرت مارکوزه» و «یورگن هابرماس» به انتقاد از تفکر و روش پوزیتیویستی (اثبات‌گرایی) در جامعه‌شناسی برخاستند و «نظریه انتقادی» را طرح و گسترش دادند. شاید بتوان گفت که روش تفهیمی «ماکس وبر» برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی، محل التقای دو دیدگاه فوق یا در حقیقت ترکیب و تلفیقی از روشهای کمی و کیفی مکاتب شیکاگو و فرانکفورت است که ویژگیهای خاص خود را دارد.

از ابتدای قرن بیستم، جامعه‌شناسی مرحله جدیدی را آغاز کرد که مهمترین ویژگی آن رشد سریع است. در این مرحله، جامعه‌شناسان متعددی ایفای نقش کردند که مهمترین آنها عبارتند از: «امیل دورکیم»، «ویلیام گراهام سامنر»، «لستر وارد»، «فردیناند





تونیس»، «چارلز کولی»، «سی رایت میلز»، «جرج هربرت مید»، «تالکوت پارسونز»، «رابرت مرتون» و...

در طی یکصد سال گذشته، بویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، علوم اجتماعی در کشورهای جهان سوم در نتیجه آشنایی با الگوهای آموزش غربی، پدید آمد و رشد کرد. پیدایش علوم اجتماعی امروزین به طور اعم و جامعه‌شناسی به طور اخص در ایران، به دوران پهلوی باز می‌گردد. به طور مشخص و دقیق، پیدایش جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته درسی در ایران به سال ۱۳۲۵ مربوط می‌شود. در آن سال، در یکی از دانشکده‌های تهران (دانشسرای عالی) به منظور آشنایی دانشجویان با اندیشه‌های جامعه‌شناسی، یک واحد با عنوان «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» ارائه شد. در طی دوازده سال بعد، نظریه‌های جامعه‌شناسی در نهادهای آموزش عالی از طریق تدریس کلی علوم اجتماعی در دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی به دانشجویان ایرانی ارائه می‌شد.

در سال ۱۳۳۷، دانشگاه تهران به منظور گسترش تحقیق و تدریس در زمینه علوم اجتماعی، «موسسه مطالعات و علوم اجتماعی» را تأسیس کرد. سپس «دانشکده علوم اجتماعی» بنیاد نهاده شد و جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته در سطح کارشناسی تأسیس شد و کار خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۵۱، این مؤسسه نخست دوره کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد را نیز در زمینه علوم اجتماعی ارائه داد.

در فاصله سالهای دهه ۱۳۴۰، بسیاری از دانشگاه‌های دیگر (شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز و دانشگاه ملی ایران) به پیروی از دانشگاه تهران، رشته‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی، رفاه اجتماعی، علوم اجتماعی، علوم ارتباطات عمومی، مطبوعات، تعاون، مدیریت و خدمات اجتماعی، جهان‌گردی، توسعه شهری، توسعه ملی و برنامه‌ریزی اجتماعی را ارائه دادند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصیات سازمان‌دهی و محتوای درسی جامعه‌شناسی تحت تأثیر تحولات جاری کشور قرار گرفت. طبق طرح «کمیته علوم اجتماعی»، گروه برنامه‌ریزی علوم انسانی ستاد انقلاب فرهنگی، جامعه‌شناسی عمومی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در شش تخصص با این عناوین ارائه می‌شد:



ارتباطات اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی، پژوهشگری علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی)، تعاون و رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی و آموزش علوم اجتماعی (دبیری).

دانشگاه یزد نیز در راستای سیاستهای گسترش آموزشی و پژوهشی خود در سال ۱۳۷۵ «گروه علوم اجتماعی» با گرایش «تعاون و رفاه اجتماعی» را تأسیس کرد و در سال ۱۳۷۷ گرایش «مردم‌شناسی» راه‌اندازی شد. یک سال بعد از آن (۱۳۷۸)، شورای گروه به مسئولان دانشگاه پیشنهاد کرد که گروه علوم اجتماعی به «دانشکده علوم اجتماعی» تبدیل گردد که خوشبختانه مورد موافقت قرار گرفت.

در حال حاضر، حدود ۲۳۴ دانشجو در این دانشکده (۱۱۶ دانشجو در گرایش تعاون و رفاه اجتماعی و ۱۱۸ دانشجو در گرایش مردم‌شناسی) تحصیل می‌کنند که حدود ۶۲٪ دانشجویان در گرایش اول زن و ۳۸٪ مرد هستند. این نسبت در گرایش مردم‌شناسی برای زنان ۶۹٪ و برای مردان ۳۱٪ است. در حال حاضر، ۱۰ عضو هیأت علمی (۳ نفر استادیار و با مدرک دکتری و مابقی مربی با مدرک فوق‌لیسانس و ۲ نفر هم دانشجوی دکتری) به صورت رسمی یا پیمانی و یا حق‌التدریس در دانشکده فعالیت می‌کنند.

علاوه بر ۲۰ واحد دروس عمومی که بین تمام گروه‌های آموزشی مشترک است، دانشجویان هر دو گرایش می‌بایست به طور مشترک ۳۸ واحد دروس پایه و ۱۹ واحد دروس اصلی و ۱۵ واحد دروس انتخابی الزامی را بگذرانند. دروس تخصصی گرایش مردم‌شناسی ۳۱ واحد و دروس تخصصی گرایش تعاون و رفاه اجتماعی ۳۴ واحد است. دانشجویان مردم‌شناسی نیز ۶ واحد و دانشجویان تعاون و رفاه اجتماعی ۹ واحد دروس اختیاری را باید بگذرانند. تمام دانشجویان هر دو گرایش برای فراغت از تحصیل می‌بایست ۴ واحد درس کارورزی را به صورت کار در یکی از سازمانهای مربوط به رشته یا به صورت کار تحقیقی اخذ نمایند.

تاکنون با همکاری و همدلی و تلاش استادان و دانشجویان دانشکده، فعالیتهای فوق برنامه قابل توجهی صورت گرفته که مهمترین آنها عبارتند از: انتشار دو شماره نشریه داخلی دانشکده به نام «سخن تو» و چاپ شماره جدید آن در اواخر فروردین ماه ۱۳۸۳، برپایی اردوهای علمی - تفریحی با خودیاری دانشجویان یا همکاری معاونت



دانشجویی دانشگاه، برگزاری جشن دانش‌آموختگی، نمایش بعضی فیلم‌های آموزنده مربوط به رشته، همکاری گروهی برای حل تمرین، حضور چشمگیر و گسترده در تشکل‌های سیاسی و علمی و صنفی از جمله «انجمن علمی» و «شورای صنفی» و ارائه برنامه‌های علمی و آموزشی در قالب برگزاری کلاس کنکور و مسابقه آموزشی و تصویری و...

همچنین، با همکاری و همت اعضای هیأت علمی، به ویژه سرپرست محترم قبلی دانشکده جناب آقای دکتر سعیدی، کمی بعد از راه‌اندازی گرایش مردم‌شناسی، موزه و کارگاه مردم‌شناسی نیز تأسیس شد. دانشجویان علاقه‌مند و داوطلب بعضی وسایل و ابزارهای نایاب و کمیاب مناسب برای موزه مردم‌شناسی را به دانشکده تحویل داده‌اند و امیدواریم که این روند کماکان ادامه و سیر صعودی داشته باشد. تا مدتی قبل به دلیل کمبود فضا، بخشی از این وسایل در یکی از کلاسهای کوچک مجتمع علوم انسانی دانشگاه و بخش دیگر در دفتر دانشکده نگه‌داری می‌شد. در سال ۱۳۸۲، با عنایت آقای دکتر زیاری، ریاست محترم مجتمع علوم انسانی، فضای مناسب‌تری برای موزه مردم‌شناسی و کارگاه آموزشی در اختیار دانشکده قرار گرفت.

همچنین، با عنایت و نظر لطف هیأت رئیسه محترم دانشگاه بویژه دکتر وحدت ریاست محترم دانشگاه، در سال یاد شده بودجه‌ای به مبلغ حدود ۲ میلیون تومان برای ساخت و خرید قفسه‌ها و ویترین‌های مخصوص نگهداری اشیاء اختصاص یافت. امیدواریم که با نظر مساعد ریاست محترم دانشگاه و معاونت محترم اداری و مالی در سال جاری نیز امکان خرید وسایل و تجهیزات پیشنهادی دانشکده برای موزه و کارگاه آموزشی فراهم شود.

برای فراهم شدن زمینه و بستر مناسب ارتباط دانشکده و دانشگاه با سازمانها و نهادهای مختلف اجتماعی و فرهنگی در درون جامعه و تبادل و تعامل دو جانبه، دانشکده پیشنهاد تشکیل دفتری به نام «دفتر ارتباط با جامعه» را به معاونت پژوهشی دانشگاه داده است. همچنین با توجه به اهمیت روزافزون نقش زنان در امور و ابعاد مختلف جامعه به ویژه حوزه تحصیلات عالی و مشارکت اجتماعی، دانشکده در تدارک راه‌اندازی پژوهشکده‌ای به نام «پژوهشکده امور زنان» است که در خصوص این دو طرح



تاکنون از جانب مسؤولان دانشگاه پاسخ قطعی اعلام نشده است، ولی امید است که به‌زودی، شاهد اعلام نظر مثبت آنان باشیم.

خوشبختانه در انتهای سال ۱۳۸۲، شورای تحصیلات تکمیلی با درخواست دانشکده مبنی بر راه‌اندازی رشته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد موافقت کرد که جای تشکر و سپاس فراوان دارد و انتظار می‌رود که این فرآیند به‌زودی به نتیجه مطلوب منتهی گردد.

محمد عابدی اردکانی

سرپرست دانشکده علوم اجتماعی و

مدیر گروه مردم‌شناسی دانشگاه یزد

